



## Cultural Capital and Reproduction of the Intelligence Gap

Nader Razeghi<sup>1</sup>, Mahmoud Sharepour<sup>2</sup>, Fatemeh Akhondzade<sup>3</sup>

Received: Jul. 25, 2020; Accepted: Dec. 13, 2020

### ABSTRACT

An ever-increasing digital divide around the globe has turned into one of the greatest challenges to several areas of the information society with direct and indirect consequences. This has also increased the demand for more research in this field. This study, which is based on Bourdieu's cultural capital reproduction theory, is an attempt to answer the question as: To what extent individuals' cultural capital affects the digital gap among them? The survey method was applied in this research where a questionnaire was used to collect the data. The population of the study consisted of 183,198 youths from the city of Bābol (Mazandaran, Iran) aged 18-29 years. The sample size was estimated to be 385 by Cochran formula. The data were then collected randomly in a multistage cluster sampling from 8 areas in the above city. The results showed that there is a digital divide among people with different cultural capitals. The results of multiple regression analysis showed that the objectified dimension of the cultural capital ( $\beta = 0.472$ ), the embodied dimension ( $\beta = 0.41$ ) and the institutionalized dimension ( $\beta = 0.20$ ) had the greatest effect on the people's digital divide. The results also showed that the independent variable of the research, i.e. cultural capital, explained about 0.26 percent of the variance of the dependent variable, i.e. the digital divide.

*Keywords:* cultural capital, Internet, digital gap, digital intelligent inequality, digital divide

1. Department of Social Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Corresponding Author

✉ [razeghi@umz.ac.ir](mailto:razeghi@umz.ac.ir)

2. Department of Social Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

3. Department of Social Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran



## سرمایه فرهنگی و بازتولید شکاف هوشمند

نادر رازقی<sup>۱\*</sup>، محمود شارع‌پور<sup>۲</sup>، فاطمه آخوندزاده<sup>۳</sup>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۶؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰

### چکیده

شکل نوین شکاف، یعنی «شکاف دیجیتال جدید» یا «شکاف هوشمند»، شکاف میان افرادی است که به اینترنت دسترسی دارند؛ این نوع شکاف و نابرابری، در سطح مهارت و توانایی بهره‌برداری افراد از کارکردهای پیچیده فناوری اطلاعات نمایان می‌شود. افزایش شکاف دیجیتال در سراسر جهان، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های عصر دیجیتال، با پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم در چندین حوزه جامعه اطلاعاتی نمایان شده و بررسی علمی آن ضرورت بیشتری یافته است؛ از این رو، این پژوهش برپایه نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو، این پرسش را بررسی کرده است که سرمایه فرهنگی افراد به چه میزانی بر شکاف دیجیتال میان آنان تأثیرگذار است؟ روش انجام این پژوهش، پیمایشی بوده و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه گردآوری شده‌اند. جامعه مورد مطالعه، جوانان هجده تا بیست‌ونهم ساله شهرستان بابل (۱۸۳/۱۹۸ نفر) بوده و حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۵ نفر برآورد شده است. داده‌های پژوهش به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌صورت تصادفی ساده از میان ۸ محله شهر بابل گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که در میان افراد با سرمایه‌های فرهنگی گوناگون، شکاف دیجیتال وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که به‌ترتیب، بعد عینیت‌یافته سرمایه فرهنگی ( $\beta=0/47$ )، بعد تجسدیافته سرمایه فرهنگی ( $\beta=0/41$ )، و بعد نهادی سرمایه فرهنگی ( $\beta=0/20$ ) بیشترین تأثیر را بر شکاف دیجیتال میان افراد داشته‌اند. افزون‌براین، یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیر مستقل پژوهش، یعنی سرمایه فرهنگی، به‌میزان ۰/۲۶ از واریانس متغیر وابسته شکاف دیجیتال را تبیین می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** سرمایه فرهنگی، اینترنت، شکاف دیجیتال، شکاف هوشمند

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران (نویسنده مسئول) [razeghi@umz.ac.ir](mailto:razeghi@umz.ac.ir) ✉

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران

۳. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران

مسئله نابرابری و شکاف اجتماعی، همواره مورد توجه جامعه‌شناسان بوده است. از جامعه‌شناسان کلاسیک (مارکس، وبر، و پارتو<sup>۱</sup>) گرفته تا جامعه‌شناسان معاصر (مانند دارندورف، لنسکی، پولانتزاس، رایت، پارکین، و گیدنز<sup>۲</sup>)، هریک به نوبه خود این پدیده را به لحاظ جامعه‌شناختی تحلیل کرده‌اند. نابرابری و شکاف اجتماعی، پدیده جدیدی نیست، اما در طول تاریخ جوامع انسانی، با دگرگونی‌های جوامع، نابرابری و شکاف اجتماعی نیز به شکل‌های گوناگونی متناسب با آن ظهور و بروز پیدا کرده و متحول شده است. براین اساس، با دگرگونی‌های جوامع از جامعه کشاورزی و جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی (کاستلز، ۲۰۱۱) متناسب با این دوره، نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی نوینی نیز ظهور یافته‌اند که از آن با عنوان شکاف دیجیتال یا شکاف هوشمند یاد می‌کنند. نظریه پردازان این حوزه، به وجود نوعی شکاف اجتماعی میان آن‌هایی که به اینترنت دسترسی دارند و کسانی که به آن دسترسی ندارند، کسانی که مهارت و سواد اطلاعاتی دارند یا هیچ‌گونه مهارت و اطلاعاتی ندارند، یا مسئله چگونگی کاربری اینترنت، یعنی انگیزه کاربران از به‌کارگیری فناوری دیجیتال در میان طبقات گوناگون اشاره کرده‌اند (لی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶؛ کیم، ۲۰۱۱). ظرفیت روزافزون اینترنت در گسترش دسترسی به اطلاعات و تقویت قابلیت‌های ارتباطی، سبب شکل‌گیری بحث‌هایی درباره نتایج اجتماعی استفاده از اینترنت شده است. طرفداران نظریه شکاف دیجیتال بر این نظرند که اینترنت، امتیازی برای گروه‌های ویژه است، درحالی‌که هم‌زمان می‌تواند سبب درحاشیه نگه داشتن گروه‌های اجتماعی محروم از آن و در نتیجه، نابرابری اجتماعی شود.

بر پایه تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۴</sup>، شکاف بین افراد، خانوارها، صاحبان مشاغل، و مناطق جغرافیایی در جایگاه‌های گوناگون اقتصادی - اجتماعی، در دسترسی و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، شکاف دیجیتال نامیده شده است (OECD، ۲۰۰۱)؛ بنابراین، وجود فاصله در دسترسی به فناوری‌های نوین (همچون تلفن،



1. Karl Marx, Max Weber and Vilfredo Pareto

2. Ralf Dahrendor, Lenski, Poulantzas, Wright and Parkin and Giddens

3. Lee

4. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

رایانه، و اینترنت) و خدمات مرتبط با آن (متیک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶، ۲۹) موجب عقب ماندن عده‌ای و پیشرفت اطلاعاتی عده دیگر و همچنین، سبب ایجاد تفاوت میان افراد در سطوح گوناگون زندگی، اعم از سطوح فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی می‌شود؛ بنابراین، فناوری اطلاعات مانند شمشیر دولبه‌ای است که از یک‌سو، موجب پیشرفت دانش جامعه و از سوی دیگر، سبب عمیق‌تر شدن شکاف اجتماعی می‌شود (ملهم و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹، ۱). شگفت‌آور نیست که این نوآوری‌های فنی و اطلاعاتی در دستگاه نابرابری ادغام شوند، زیرا هیچ‌کس فرصت بهره‌گیری از چنین تحولی را از دست نمی‌دهد، اما این مشکل، مانع انتشار عادلانه دانش و تجهیزات در جمعیت‌ها می‌شود و جامعه را به سوی دوطبقه‌ای شدن از یک‌سو، اطلاعات نخبگان و طبقات بالای اجتماع و از سوی دیگر، کسانی که به شبکه اینترنت متصل نیستند، پیش می‌برد؛ (دراپ وایز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲) و در نتیجه، از بهبود کیفیت زندگی افراد و روشننگری فرهنگی برخی از آن‌ها جلوگیری می‌کند.



معنای شکاف دیجیتالی، در طول یک دهه‌ای که موضوع نابرابری و شکاف دیجیتالی وارد ادبیات جامعه‌شناسی فضای مجازی شد، تغییرات زیادی داشته است. معنای اولیه شکاف دیجیتالی، بر شکاف میان کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و کسانی که دسترسی ندارند، متمرکز بوده است، اما با گسترش فناوری‌های هوشمندی مانند تبلت و گوشی‌های هوشمند و اتصال بسیاری از مردم به اینترنت به صورت شخصی و مستقل، مفهوم شکاف دیجیتالی شکل متفاوتی یافته است. در تعریف جدید، شکاف و نابرابری دیجیتالی به شکاف در محتوای کاربردی، تفاوت‌های مهارتی، و سواد اطلاعاتی کاربران فناوری دیجیتالی، در میان طبقات گوناگون جامعه — که آن را نابرابری‌های اجتماعی هوشمند<sup>۴</sup> می‌نامند — تغییر کرده است (لی، ۲۰۱۶؛ کیم، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، شکل‌های نوین شکاف دیجیتالی ممکن است در میان گروهی که به اینترنت دسترسی دارند، رخ دهد. این نوع تفاوت، در سطح مهارت و توانایی بهره‌برداری افراد از کارکردهای پیچیده فناوری اطلاعات

1. Matic
2. Melhem and et al
3. Drabowicz
4. social inequality intelligent

نمیان می‌شود. تفاوت توانایی افراد در کار با دستگاه‌های هوشمند، انگیزه افراد از کاربرد فناوری دیجیتال، مهارت افراد در بهره‌برداری از کارکردهای پیچیده فناوری اطلاعات، و سواد دیجیتالی افراد (لی، ۲۰۱۶، ۲-۱) از جمله شاخص‌های سنجش شکاف دیجیتالی به‌شمار می‌آیند. این شاخص‌ها موجب شکل‌گیری فاصله اجتماعی و شکاف دیجیتالی میان افراد خواهند شد؛ به همین سبب، روند روبه‌گسترش شکاف دیجیتالی هوشمند در سراسر جهان، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های عصر جدید است.

جامعه‌شناسان در مورد وجود و ظهور روبه‌گسترش این نوع شکاف، هم‌نظر هستند، اما در مورد عوامل تأثیرگذار بر نابرابری‌های اجتماعی هوشمند در جامعه، نظر یکسانی ندارند. برخی از پژوهشگران به موضوع تفاوت طبقات گوناگون در دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات (گرس‌تین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ پاترسون و ویلسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ کواسنی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ دیماجیو و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱) اشاره کرده‌اند، اما برخی دیگر بر این نظرند که نابرابری دیجیتالی تنها تحت تأثیر تبعیض در دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات نیست، بلکه تحت تأثیر نابرابری‌هایی مانند چرخه فقر، بی‌سوادی، و سرمایه فرهنگی است که از پیش در جامعه وجود داشته‌اند و پیوسته بازتولید می‌شوند. سرمایه فرهنگی به مثابه ذخیره‌ای از دانش، مهارت‌ها، صلاحیت‌ها، و خلاقیت‌های فرهنگی، ابزار مهمی است که نابرابری‌های اجتماعی از طریق آن بازنمایی و بازتولید می‌شوند (ذکایی، ۱۳۹۴). این مسائل، الگوهای استفاده از اینترنت را همچون آینه‌ای در خود بازتاب می‌دهند و موجب تقویت و تداوم آن خواهند شد؛ بنابراین، این شاخص‌ها به گونه‌ای بدیهی موجب شکل‌گیری فاصله اجتماعی و شکاف دیجیتالی میان افراد می‌شوند (کواسنی، ۲۰۰۶، ۱۶۱). به‌نشر پی‌یر بوردیو<sup>۵</sup>، این تمایز در سرمایه فرهنگی افراد است که موجب تمایز در سطح مهارت، توانایی، و انگیزه خواهد شد. به بیان روشن‌تر، سرمایه فرهنگی در پیوندی محکم با موقعیت طبقاتی،



1. Gurstein
2. Patterson and Wilson
3. Kvasny
4. Di Maggio and et al
5. Pierre Bourdieu

سازوکاری را فراهم می‌کند که از طریق آن، فرایند بازتولید اجتماعی حفظ می‌شود و مشروعیت می‌یابد (بوردیو و پاسرون، ۱۹۹۰). بوردیو بر این نظر است که نابرابری‌های اجتماعی موجب بازتولید نابرابری فرهنگی و ادامه یافتن تمایزها خواهند شد.

به بیان روشن‌تر، افراد یک جامعه به میزان خاصی از انواع سرمایه، مانند سرمایه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی برخوردار می‌شوند؛ نابرابری در میزان برخورداری از این سرمایه‌ها، موجب شکل‌گیری طبقات و گروه‌های جدید و بازتولید آن‌ها و در نتیجه، افزایش فاصله طبقاتی و شکاف میان آن‌ها می‌شود. سرمایه فرهنگی خود یک سازوکار مهم در بازتولید سلسله‌مراتب اجتماعی است. سرمایه فرهنگی به معنای قابلیت‌ها، دانش‌ها، و مهارت‌ها و نیز مجموع کالاهای فرهنگی‌ای است که شخص می‌تواند آن‌ها را کسب کند. این نوع خاص از سرمایه، به مثابه دانش (شناختی) است که افراد را قادر به تفسیر کدهای فرهنگی گوناگون می‌کند و افرادی در زمینه انباشت سرمایه فرهنگی موفق‌تر هستند که رمزهای فرهنگی درستی را به دست آورده باشند (شهرام‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۰۳)؛ بنابراین، می‌توان گفت، شکاف دیجیتال هوشمند، بازتولید نابرابری سرمایه‌های فرهنگی مرتبط است. با وجود اهمیت مسئله نابرابری و شکاف اجتماعی دیجیتال برای جامعه‌شناسان و حتی سیاست‌گذاران، این مسئله کمتر به لحاظ جامعه‌شناختی بررسی شده است؛ بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش این است که «به چه میزانی بین کاربران اینترنت، شکاف دیجیتال (توانایی، مهارت، انگیزه، و نوع به‌کارگیری فناوری دیجیتال) وجود دارد؟» «آیا سرمایه فرهنگی افراد (در ابعاد عینیت‌یافته، تجسم‌یافته و نهادینه‌شده)، بر شکاف دیجیتال تأثیر می‌گذارد؟» «آیا شکاف دیجیتال در جامعه در حال بازتولید شدن است؟»

## ۱. پیشینه پژوهش

در داخل کشور پژوهش‌های زیادی در این باره انجام نشده است؛ با این حال، در ادامه برخی از آن‌ها را که با موضوع پژوهش ارتباطی داشته‌اند، بررسی کرده‌ایم.

عباسی کسی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر شکاف دیجیتال در ایران (مورد مطالعه: روستاهای استان قم)»، عوامل مؤثر بر مسئله شکاف



دیجیتالی را به روش دلفی و سلسله‌مراتبی فازی مورد بررسی قرار داده‌اند. جامعه آماری این پژوهش، کارشناسان و مدیران ارشد حوزه ICT روستاهای استان قم بوده‌اند که از طریق نمونه‌گیری قضاوتی، تعداد ۳۳ نفر از مدیران ارشد که شرط خبرگی در حوزه دفاتر ICT روستاهای استان قم را داشته‌اند به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که متغیرهای شناخت فرهنگ روستاها با رتبه نخست، ارتباطات اجتماعی با رتبه دوم، شناخت تنوع فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی با رتبه سوم، حمایت از سرمایه‌گذاری با رتبه چهارم، شناسایی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های منطقه‌ای با رتبه پنجم، بیشترین وزن‌ها را در تبیین شکاف دیجیتالی کسب کرده‌اند که خود نشان‌دهنده اهمیت بسیار بالای آن‌ها نزد خبرگان بوده است. صدقی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی شکاف دیجیتالی بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی ایران از نظر استفاده، دسترسی و مهارت‌های فناوری اطلاعات» با روش پیمایش به بررسی شاخص‌های شکاف دیجیتالی در بین دانشجویان پرداخته‌اند. این پژوهش بر روی یک نمونه ۱۶۱ نفری از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی ایران در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ انجام شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سه شاخص «استفاده»، «دسترسی»، و «مهارت»‌های فناوری اطلاعات، با سطح معناداری ۰/۰۰۱، شکاف دیجیتالی وجود دارد.

صدر ارحامی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی و شکاف دیجیتالی در بین جوانان اصفهان و نجف‌آباد» با استفاده از روش پیمایشی، تأثیر حجم سرمایه اجتماعی بر شکاف دیجیتالی را مورد بررسی قرار داده‌اند. جامعه آماری این پژوهش تمام افراد زن و مرد ۱۵ تا ۲۹ ساله (جوانان) ساکن در شهرهای اصفهان و نجف‌آباد بوده است. حجم نمونه این پژوهش، ۱۲۰۰ نفر بوده که برای هر شهر، ۶۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. یافته‌های به‌دست‌آمده از بررسی در دو شهر اصفهان و نجف‌آباد نشان داد که اثر سرمایه اجتماعی بر شکاف دیجیتالی، معکوس و معنادار است؛ به این معنا که هرچه حجم سرمایه اجتماعی شهروندان افزایش پیدا کند، از شکاف دیجیتالی شهروندان کاسته خواهد شد.





حاج اسماعیلی و کاظمی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «مقایسه سطوح چهارگانه شکاف دیجیتالی برحسب متغیرهای جمعیتی» با روش پیمایشی به بررسی شکاف دیجیتالی، بر روی نمونه ۶۰۰ نفر از شهروندان شهر رفسنجان پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل بر دو سطح شکاف دیجیتالی تأثیرگذارند. متغیر جنسیت بر دسترسی مادی و فیزیکی و سواد و مهارت دیجیتالی تأثیرگذار است؛ به گونه‌ای که دسترسی مادی و فیزیکی و سواد و مهارت دیجیتالی در مردان بیش از زنان است. وضعیت تأهل نیز بر دسترسی انگیزشی و سواد و مهارت دیجیتالی تأثیرگذار است که بر پایه آن، دسترسی انگیزشی و سواد و مهارت دیجیتالی در افراد مجرد بیش از افراد متأهل است. متغیرهای جمعیت شناختی دیگری مانند سن، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی، و میزان درآمد نیز بر سطوح چهارگانه شکاف دیجیتالی تأثیر می‌گذارند. افرادی که در محدوده سنی ۲۰ تا ۴۰ سال هستند، دارای دسترسی مادی و انگیزشی، سواد و مهارت دیجیتالی، و استفاده متداول بیشتری هستند و با افزایش سن، دسترسی‌ها کاهش و شکاف دیجیتالی افزایش می‌یابد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شکاف دیجیتالی با افزایش تحصیلات و درآمد افراد کاهش می‌یابد.

اشرفی فشی و عبداللهی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه مؤلفه‌های شکاف دیجیتالی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان»، شکاف دیجیتالی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان را به روش پیمایشی مورد بررسی قرار داده‌اند. نمونه آماری این پژوهش ۲۵۰ نفر از دانشجویان رشته علوم تربیتی دانشگاه پیام نور دلفان بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین شکاف دیجیتالی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، همبستگی ضعیفی وجود داشته است.

خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش رابطه شکاف دیجیتالی و توانمندی زنان شهر شیراز» با روش پیمایشی، موضوع را واکاوی کرده‌اند. برای این پژوهش، نمونه‌ای به حجم ۶۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شده است. داده‌های موردنیاز با ابزار پرسش‌نامه، از بین زنان ۵۴-۱۵ ساله شهر شیراز گردآوری شد. نتایج پیمایش نشان می‌دهد که متغیرهای طبقه اجتماعی، تحصیلات



پاسخ‌گو و همسر، شکاف فناوری، سواد اطلاعاتی، و دسترسی به اطلاعات، با توانمندی زنان رابطه معناداری دارند. نتایج به دست آمده از رگرسیون چندمتغیره نیز نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای شکاف، سواد اطلاعاتی، و تحصیلات زیر دیپلم، حدود ۲۷ درصد از تغییرات متغیر توانمندی زنان را تبیین کرده‌اند.

روشندل اربکانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «عوامل تعیین‌کننده شکاف دیجیتالی (مطالعه موردی: شهروندان شهر رفسنجان)»، تأثیر عوامل اقتصادی، زیرساختی و فرهنگی بر شکاف دیجیتالی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. این پژوهش به شیوه توصیفی-پیمایشی انجام شده و جامعه آماری آن، مجموعه شهروندان شهر رفسنجان بوده است. در پژوهش یادشده، وضعیت ۵۰۱ نفر از شهروندان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و با استفاده از الگوسازی معادله‌ای ساختاری تحلیل شده است. برپایه نتایج به دست آمده، عوامل اقتصادی و زیرساختی به طور مستقیم و عوامل فرهنگی، از طریق نقش میانجی دسترسی انگیزشی، بر شکاف دیجیتالی تأثیر می‌گذارند. در مقایسه عوامل گوناگون، نقش عوامل فرهنگی مهم‌تر از عوامل اقتصادی و زیرساختی بوده است. تمام متغیرهای مورد بررسی، ۵۵/۳ درصد از تغییرات دسترسی فیزیکی را تبیین کرده‌اند.

افشارکهن و زمانی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «جوانان و شکاف دیجیتالی، با تأکید بر جوانان ۲۹-۱۵ ساله شهر همدان» مسئله شکاف دیجیتالی را واکاوی کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، میان فقدان سواد اطلاعاتی، فقدان سواد رایانه‌ای، و فقدان مهارت در استفاده از اینترنت و شکاف دیجیتالی در جوانان، رابطه وجود دارد. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین و ایجاد شکاف دیجیتالی نیز رابطه معناداری وجود دارد. رابطه معناداری نیز میان سطح تحصیلات افراد و شکاف دیجیتالی دیده شده است.

وکیلپان (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «سرمایه فرهنگی و چگونگی استفاده از اینترنت»، رابطه بین میزان، هدف، و خدمات اینترنتی مورد استفاده دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه تهران از اینترنت و سرمایه فرهنگی آن‌ها را تبیین کرده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که ارتباط بین نیاز و خدمات اینترنتی مورد استفاده با سرمایه فرهنگی،



کم و ضعیف است. افزون بر این، بین اهداف علمی-آموزشی، به‌روزرسانی نرم‌افزار، و ارتباط با دیگران با تمام سنج‌های مربوط به سرمایه فرهنگی (جز مهارت استفاده از اینترنت و مهارت کار با رایانه) رابطه منفی وجود داشته است.

در میان پژوهش‌های خارجی مربوط به این موضوع نیز نتایج پژوهش ون دورسن و ون دیک<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) با عنوان «تغییر در شکاف دیجیتال نوع اول، نابرابری در دسترسی فیزیکی به نابرابری در دسترسی محتوا»، در کشور هلند در بین نمونه‌ای ۱۶۹۸ نفری نشان می‌دهد که شکاف دیجیتال با اشباع اتصال و دسترسی به اینترنت از بین نرفته است، بلکه در سطح دوم، یعنی نابرابری در مهارت‌های اینترنتی و نوع استفاده و کاربرد آن ادامه یافته است.

هرگیتای<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «بازتولید نابرابری دیجیتال در آمریکا» نشان داده است که افرادی که سطوح بالاتری از تحصیلات و سرمایه بیشتری دارند، از فضای وب و دیجیتال برای فعالیت‌های «افزایش سرمایه» استفاده می‌کنند. همچنین، نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که مهارت برخط، عامل مهمی در تعیین نوع فعالیت‌های افراد در فضای اینترنت است؛ به این معنا که سطح دوم نابرابری دیجیتال در بین کاربران اینترنت در حال وقوع است.

لی (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «تقسیم‌بندی زیرکانه: مثالی از شکاف دیجیتال در کره جنوبی»، تفاوت نوع کاربرد اینترنت در میان دانشجویان ۲۰ تا ۲۹ ساله را بررسی کرده است. او در این مطالعه، سواد اطلاعاتی دانشجویان، مهارت در به‌کارگیری آن، نرم‌افزارهای مورد استفاده، و... توسط دانشجویان و حتی چگونگی اتصال آنان به اینترنت (کافی نت یا اینترنت شخصی) را واکاوی کرده و نشان می‌دهد که موارد یادشده از متغیرهایی مانند درآمد، جنسیت، طبقه، و پایگاه اقتصادی تأثیر می‌پذیرند.

داراب و ایز<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «نابرابری دیجیتال به‌عنوان صورتی از نابرابری‌های طبقاتی»، نابرابری دیجیتال در ۳۹ کشور را به روش پیمایش بررسی کرده

1. Van Deursen and Van Dijk
2. Hargittai
3. Tomasz Pieter Drabowicz



است. او در این پژوهش، رابطه نابرابری دیجیتال و جایگاه طبقاتی افراد را بررسی کرده است. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که نوع جدیدی از سرمایه فرهنگی، حتی میان جوانانی که در جوامع توسعه یافته زندگی می‌کنند نیز به گونه‌ای مساوی تقسیم نشده است و این الگوی نابرابر از توزیع سرمایه، در میان فرزندان که نسل گذشته‌شان، یعنی والدین آنها، به لحاظ اجتماعی-اقتصادی نابرابر بوده‌اند، بازتولید نسلی می‌شود.

کواسنی (۲۰۰۶) در پژوهشی تجربی با عنوان «بازتولید فرهنگی نابرابری دیجیتال»، با استفاده از نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو، نقش فرهنگ را در بازتولید نابرابری‌های دیجیتال بررسی کرده است. او در این پژوهش نتیجه‌گیری می‌کند که نابرابری دیجیتال تنها تحت تأثیر نابرابری در ساختار دسترسی یا کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات نیست، بلکه تحت تأثیر باورها و سنت‌های نابرابر اجتماعی است که به گونه‌ای دیرینه وجود داشته است و خود، موجب ایجاد انتظارات متفاوت از این فناوری در میان قشرهای گوناگون و استفاده متفاوت از آن در میان آنان می‌شود و بر فرصت‌های زندگی تأثیر می‌گذارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فناوری‌های ارتباطی موجب پابرجا ماندن نابرابری‌های از پیش موجود می‌شود که به گونه‌ای عمیق، ریشه در الگوهای نظام‌مند فاصله اقتصادی و سیاسی دارند.

هینز بونفادلی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۲، در پژوهشی با عنوان «اینترنت و شکاف دیجیتال» تفاوت‌های نابرابری دیجیتال را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که در بین کسانی که از اینترنت استفاده می‌کنند نیز شکاف دیجیتال وجود دارد؛ به این ترتیب که افرادی که تحصیلات بیشتری دارند از اینترنت به گونه‌ای فعالانه‌تر، مثبت‌تر، و مفیدتر استفاده می‌کنند؛ به این معنا که کاربردشان بیشتر جهت‌گیری علمی و اطلاعاتی دارد، در حالی که افرادی که تحصیلات پایین‌تری دارند، بیشتر از کارکردهای تفریحی و سرگرمی اینترنت استفاده می‌کنند.

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌توان گفت، در اندک پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور بیشتر به توصیف یا اندازه‌گیری میزان شکاف دیجیتال بسنده شده است که پژوهش‌های صدقی و همکاران (۱۳۹۸)، صدر ارحامی و



1. Heinz Bonfadelli



همکاران (۱۳۹۷)، و حاج اسماعیلی و کاظمی (۱۳۹۷) در این چارچوب قرار می‌گیرند. برخی از این پژوهش‌ها نیز شکاف دیجیتالی را به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته‌اند؛ به‌عنوان مثال، پژوهش اشرفی فشی و عبداللهی (۱۳۹۶) کمتر به عوامل مؤثر بر شکاف دیجیتالی، به‌ویژه سرمایه فرهنگی، توجه داشته‌اند. افزون‌براین، به‌لحاظ نظری، بیشتر پژوهش‌های داخلی به موضوع شکاف دیجیتالی در معنای سنتی آن، یعنی تفاوت و نابرابری میان کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و کسانی که به اینترنت دسترسی ندارند، توجه داشته‌اند و کمتر شکاف دیجیتالی هوشمند را بررسی کرده‌اند؛ درحالی‌که پژوهش‌های خارجی، بیشتر به شکاف دیجیتالی هوشمند توجه کرده‌اند و یافته‌های آن‌ها نیز در راستای تحلیل نابرابری‌های دیجیتالی هوشمند بوده است. بیشتر پژوهش‌های خارجی بر ایجاد شدن نابرابری و افزایش و بازتولید آن به‌وسیله فناوری دیجیتالی تأکید کرده‌اند و بر این نظرند که شکاف دیجیتالی تحت تأثیر درآمد، جنسیت، طبقه، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سرمایه فرهنگی است؛ افزون‌براین، با این فناوری، نابرابری‌های ازپیش موجود در جوامع، بازتولید می‌شود. آن‌ها علت این نوع شکاف‌ها را تأثیر نابرابری‌های ازپیش موجود بر فرهنگ، سنت‌ها، و باورهای افراد می‌دانند که موجب می‌شود انتظارات متفاوتی از این فناوری در افراد شکل بگیرد.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که درباره شکاف دیجیتالی وجود دارد، «نظریه شکاف آگاهی»<sup>۱</sup> است که تأکید دارد، رسانه‌ها، نابرابری‌های اطلاعاتی موجود را تقویت می‌کنند (مک کوئیل، ۱۳۸۰، ۹۴). این نظریه که نخستین بار در سال ۱۹۷۰ توسط تیکنور، دونوهو، و اولینا<sup>۲</sup> مطرح شده است، بر این دیدگاه استوار است که رسانه‌ها، روزبه‌روز، فاصله اطلاعاتی بین طبقات گوناگون مردم را بیشتر می‌کنند، زیرا شیوه ارتباط آنان با رسانه‌ها متفاوت است و چگونگی برخورداری آنان و نحوه استفاده از اطلاعات نیز یکی از

1. knowledge cap theory  
2. Tichenor, Donohue and Oliena

عوامل وجود این شکاف به‌شمار می‌آید. آن‌ها استدلال می‌کنند که درعمل، نتیجه و پیامد گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، افزایش تفاوت یا شکاف آگاهی میان افراد و گروه‌های اجتماعی گوناگون بوده است. هرچند هم افراد دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا و هم افرادی که پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایینی دارند، از رسانه‌ها اطلاعات به‌دست می‌آورند، اما افراد دارای پایگاه بالا، اطلاعات بیشتر و مفیدتری به‌دست می‌آورند. این به آن معنا است که شکاف نسبی آگاهی میان افراد مرفه و افرادی که رفاه کمتری دارند، افزایش خواهد یافت. برخی پژوهشگران بر این نظرند که این شکاف و تفاوت، تنها در میزان آگاهی و اطلاعات به‌وجود نمی‌آید، بلکه در ابعاد نگرشی و رفتاری نیز نمایان می‌شود (سورین و تانکارد، ۱۳۹۲، ۳۶۱).

اما در دنیای امروز با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و گسترش فضای مجازی می‌توان گفت، اینترنت امکانات یکسانی را در اختیار افراد قرار داده است و اطلاعات، بدون تبعیض انتقال پیدا می‌کند، اما شکل شکاف و تفاوت، به‌سوی سواد رسانه‌ای تغییر یافته است. مک کلور<sup>۱</sup>، از نخستین افرادی بود که سواد شبکه‌ای را در کنار انواع دیگر سواد (سنتی، سواد اطلاعاتی، سواد رایانه‌ای، و سواد رسانه‌ای) قرار داد. منظور از سواد سنتی، توانایی فهم و کاربرد اطلاعات چاپی در فعالیت‌های روزانه در خانه و اجتماع برای رسیدن به اهداف و توسعه دانش و نیروی شخصی است. سواد، در معنای سنتی آن، به توانایی خواندن همراه با درک معنی و فهم آنچه خوانده می‌شد، اشاره داشت؛ اما مفهوم مهارت‌های اطلاعاتی بر مهارت جست‌وجوی اطلاعات دلالت دارد و بر اهمیت استفاده هوشمندانه از اطلاعات دریافتی از منابع گوناگون تأکید می‌کند (ساولاینن، ۱۳۸۳). مک کلور، سواد شبکه‌ای را توانایی تشخیص، دسترسی، و استفاده از اطلاعات الکترونیکی از شبکه می‌داند. به‌گمان او، سواد شبکه‌ای باید مبتنی بر آگاهی شخصی از بافت، ساختار، و استفاده از منابع شبکه‌ای باشد. همچنین، فرد باید از نقش اطلاعات شبکه‌ای شده در فرایند مشکل‌گشایی، آگاه باشد (ساولاینن، ۱۳۸۳). سرون<sup>۲</sup> نیز درحالی که دسترسی فیزیکی به رایانه و اینترنت



1. Macklemore  
2. Servon

را از متغیرهای کلیدی برای تعریف شکاف دیجیتال معرفی می‌کند، در نظریه‌هایش بیان می‌کند که باید این مفهوم را با نگاه به عوامل دیگری مانند سواد، سواد فنی، زبان، شبکه، و هزینه‌های مربوط به دسترسی به اینترنت گسترش داد و به فهم شکاف دیجیتالی کمک کرد (سرون، ۲۰۰۸، ۴).

نظریه «شکاف آگاهی» یا نظریه «سواد رسانه‌ای» به ما در شناخت و توصیف بهتر شکاف دیجیتالی هوشمند کمک می‌کند، اما کمتر در مورد متغیرهای تأثیرگذار بر این شکاف‌ها سخنی به میان می‌آورد. درحالی‌که می‌توان از نظریه بورديو به‌طور خاص برای تبیین نابرابری و شکاف دیجیتالی هوشمند استفاده کرد (ایگناتوف، ۲۰۱۷، ۹۵۱). از نگاه بورديو، انواع سرمایه، تعیین‌کننده قدرت اجتماعی و نابرابری اجتماعی است. نابرابری دیجیتال، آینه منابع نابرابری‌های آفلاین است. به بیان روشن‌تر، تفاوت و نابرابری در سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، خود را در نابرابری‌های دیجیتالی نشان می‌دهد (ایگناتوف، ۲۰۱۷، ۹۵۳). مسئله تعیین‌کننده در نظریه بورديو، ادعای او در این مورد است که سرمایه فرهنگی، ایجادکننده تفاوت است و به دائمی کردن نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کند (اسمیت، ۱۳۸۷، ۲۲۲). بورديو سرمایه فرهنگی را بعدی از یک منش عاداتی گسترده‌تر می‌داند؛ از این رو، این سرمایه، بازتاب‌دهنده طبقه اجتماعی صاحب آن سرمایه است. منش عاداتی یا عادت‌واره از نگاه بورديو، مجموعه پایداری از خلق و خوهایی است که امکان تغییر از یک موضع به موضع دیگر را دارند. او ثابت کرده است که طبقات و گروه‌های شغلی خاص، سلیقه‌های متمایزی در موسیقی، هنر، غذا، و... دارند. این گفته، تأییدگر این نظر بورديو است که سرمایه فرهنگی (که سلیقه تنها یکی از شاخص‌های آن است) بر پایه موقعیت اجتماعی و طبقه اجتماعی افراد شکل می‌گیرد. به بیان روشن‌تر، سلیقه‌های فرهنگی مردم، تحت تأثیر طبقه آن‌ها قرار دارد (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ۶۷-۶۴). منش‌ها، نظام‌هایی از قابلیت‌های پایدار و قابل انتقال (از طریق آموزش و فرایند اجتماعی شدن یا از طریق تقلید و تأثیرپذیری) هستند که ساختارهای بیرونی را در افراد درونی می‌کنند؛ به گونه‌ای که افراد با عمل خود ساختارها را بازتولید می‌کنند. به نظر بورديو، ساختارها روابط اجتماعی‌ای هستند که میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی با قدرت‌های



نابرابر ایجاد می‌شوند. این ساختارها، هدف تداوم حاکمیت و استیلا را درون یک میدان (حوزه) دنبال می‌کنند (فکوهی، ۱۳۹۷، ۲۹۹). عادت‌واره دارای وجوه ناخودآگاهی بوده و در حکم دستورالعمل و قاعده برای شکل‌گیری منش‌ها است؛ به بیان دیگر، منش‌ها، محصول ساختارهای اجتماعی هستند و شرایط اجتماعی را نیز بازتولید می‌کنند. هر یک از عوامل اجتماعی، با کسب موضع نسبتاً مساعد به لحاظ میزان سرمایه، چه اجتماعی و چه شخصی، آگاهانه یا ناخودآگاه، تمایل دارد این میراث را به آیندگان خود منتقل کند. این تمایل، او را وامی‌دارد که مجموعه‌ای از راهبردهای بازتولیدی را برای انتقال وضعیت یا موضع خود، با تمام ویژگی‌های آن، به بهترین وجه ممکن به کار گیرد (شویره و فونتین، ۱۳۸۵، ۵۱-۵۰).

بورديو سه شکل سرمایه فرهنگی را از هم متمایز می‌کند که عبارت‌اند از: سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته<sup>۱</sup>، سرمایه فرهنگی درونی‌شده یا تجسدیافته<sup>۲</sup>، سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده<sup>۳</sup>. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، اشیاء مادی مانند اموال فرهنگی و آثار هنری، کتاب‌ها، تابلوهای نقاشی و مجسمه‌ها، کلکسیون‌های گوناگون، ابزار هنری، و... را دربر می‌گیرد؛ این نوع سرمایه می‌تواند خرید و فروش شود و دارای ارزش مالی قابل اندازه‌گیری است و به‌طور کلی در ماهیت آن، قابل انتقال است؛ بنابراین، می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری منابع جاری برای تولید آن، افزایش یابد. مجموعه میراث‌های فرهنگی، آثار ادبی، شاهکارهای هنری، و این‌گونه موارد، و هرآنچه از دایره ذهنیت‌ها به واقعیت و عینیت‌ها راه یابد، در این حوزه جای می‌گیرد. همان‌گونه که گفته شد، میزان، گستره، تنوع تولیدات، و محصولات فرهنگی در این جایگاه می‌تواند به لحاظ اقتصادی مبادله شود؛ بنابراین، برای دستیابی به این حوزه، داشتن پول و سرمایه کافی، کفایت می‌کند. این سرمایه بالقوه، می‌تواند برای تولید سود و به‌شکلی کاملاً شبیه خود، یا گسترش‌یافته‌اش، بازتولید شود و به‌طور ذاتی، به این سو گرایش دارد که وجود خود را ماندگار کند (تاجبخش، ۱۳۸۴، ۱۴۱).



1. objective cultural capital
2. embodied cultural capital
3. institutionalized cultural capital

سرمایه فرهنگی درونی شده یا تجسد یافته، نوعی ثروت بیرونی است که به بخش جدایی ناپذیری از فرد تبدیل شده است (شارع پور و خوشفر، ۱۳۸۱، ۱۳۷). این سرمایه، در نتیجه تلاش، تجربه، و استعداد فرد به دست می آید و نیازمند صرف وقت برای آموختن یا آموزش دادن است؛ پس از آن، با فرد عجین شده و موجب رفتارها و منش های خاصی می شود. نمونه هایی مانند با فرهنگ بودن یا فعالیت در حوزه خاصی از دانش، در این گروه جای می گیرند که با مرگ دارنده آن، از بین می روند (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶، ۶۰). به بیان روشن تر، تنها صاحب این ویژگی ها، دارنده این سرمایه است و نمی توان آن را به دیگران انتقال داد.

سرمایه فرهنگی نهادینه شده برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می کند و به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عنوان هایی مانند مدارک تحصیلی و گواهینامه حرفه و کار، کسب موقعیت می کند (بورديو، ۱۹۸۶، ۲۴۶). چنانچه امکان دسترسی به سرمایه فرهنگی در همه ابعاد آن برای همه فراهم باشد، سرمایه فرهنگی می تواند کارکردهایی مانند دسترسی اکثریت اعضای جامعه به منابع معرفتی، گسترش خردگرایی در عرصه های گوناگون زندگی، بالا بودن سطح مشارکت همگانی در تولیدات و خلاقیت های علمی و فرهنگی، سریع شدن تغییرات اجتماعی، گسترش دانش های نوین، گسترش گردش اطلاعات به صورت افقی و عمودی، و رشد شخصیتی برای اکثریت افراد جامعه را در پی داشته باشد (چلبی، ۱۳۸۲، ۲۱۴-۲۱۳)؛ در حالی که به نظر بورديو، توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی عینی و نهادی در میان طبقات جامعه، یکی از ابعاد مهم نابرابری اجتماعی در جوامع مدرن به شمار می آید. از دیدگاه بورديو، تفاوت در میزان سرمایه فرهنگی افراد، موجب بازتولید نابرابری های از پیش موجود در جامعه از جمله سبب بازتولید نوع جدید نابرابری و شکاف هوشمند خواهد شد.

در جمع بندی نظریه های مطرح شده در پژوهش می توان گفت، اگرچه در این پژوهش برای شناخت و توصیف بهتر «شکاف دیجیتالی هوشمند»، به نظریه «شکاف آگاهی» اشاره شده است، ولی به دلیل بی توجهی آن به متغیرهای تأثیرگذار بر شکاف دیجیتالی هوشمند، از نظریه «سرمایه فرهنگی» بورديو برای تبیین شکاف و نابرابری دیجیتالی هوشمند استفاده شده است.





### ۳. روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده است و داده‌های آن از طریق پرسش‌نامه گردآوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش حاضر را همه جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر بابل تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها برپایه نتایج آخرین سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵، بنا به گزارش مرکز آمار ایران ۱۰۶۸۹۲ نفر بوده است. حجم نمونه این پژوهش از طریق فرمول کوکران با احتمال ۹۵ درصد اطمینان، برابر با ۳۸۵ نفر برآورد شده است. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. ابتدا از بین ۸۰ محله شهر بابل، ۸ محله (خوشه) به نام‌های باغ فردوس، درویش خیل، سنگ پل، مهدی‌آباد، هفت تن، کمانگرکلا، بندارکلا، و موزیرج به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. پس از آماده کردن فهرست مناطق مسکونی محله‌های هشت‌گانه یادشده، خوشه‌ای از هر منطقه مسکونی محله به صورت تصادفی ساده انتخاب شد و سرانجام، از هر خوشه انتخاب‌شده، نمونه‌هایی به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند.



### ۴. نحوه سنجش متغیرها

برای سنجش متغیر شکاف دیجیتالی یا شکاف هوشمند (متغیر وابسته) از دو بعد شکاف مهارتی<sup>۱</sup> و شکاف محتوای<sup>۲</sup> کاربردی استفاده شده است.

#### ۴-۱. بعد شکاف مهارتی

برای سنجش شکاف مهارتی، از مؤلفه‌های مهارت کار با فیلترشکن؛ فهم اصطلاح‌های اینترنتی؛ توانایی دریافت و به‌روز کردن نرم‌افزار؛ کار با رایانه، لپ‌تاپ، یا هر دستگاه دیجیتال دیگر؛ فهم اصطلاح‌های رایانه، تبلت، یا گوشی اندروید؛ توانایی به‌دست آوردن اطلاعات موردنیاز از اینترنت؛ توانایی رفع مشکل ساده اینترنتی و مربوط به دستگاه دیجیتال؛ نوشتن متون و رسم جدول؛ استفاده از نرم‌افزار آفیس مانند Word، Pdf، و...؛ دریافت و فرستادن ایمیل؛ استفاده از نرم‌افزارهای کاربردی تخصصی مانند اکسل و...؛ و

1. skill gap

2. content gap

استفاده از بانک‌های اطلاعاتی مانند Science direct استفاده شده است. این مفهوم بر پایه پژوهش‌های پیشین (لی، ۲۰۱۶؛ کواسنی، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۲؛ بارزیلای نان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶؛ لینگستون و هلسپر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ افشارکهن و زمانی، ۱۳۸۸) سنجیده شده است.

#### ۲-۴. بعد شکاف محتوا

برای سنجش شکاف محتوا، مؤلفه‌های کسب درآمد از طریق اینترنت؛ انجام امور تجاری-اقتصادی (خریدوفروش)؛ سرگرمی و گذران اوقات فراغت؛ لذت‌بخش بودن؛ کسب اطلاعات عمومی؛ ارتباط با دوستان و تعامل با گروه‌ها؛ وب‌گردی؛ بازی آنلاین؛ دانلود فیلم یا عکس و موسیقی؛ گشت‌وگذار در سایت‌های دوست‌یابی؛ بازدید از سایت‌های خبری و نشریه‌های برخط؛ جست‌وجو برای کسب اطلاعات و افزایش دانش؛ مدیریت یک سایت یا کانال که موجب کسب درآمد شده باشد؛ استفاده از مسیربازها یا نرم‌افزارهای اطلاعات روزمره؛ دما؛ قیمت؛ ساعت حرکت هواپیما؛ و... بررسی شده است. این مفهوم بر پایه پژوهش‌های پیشین (لی، ۲۰۱۶؛ کواسنی، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۲؛ برزیلای نحون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ لینگستون و هلسپر، ۲۰۱۰؛ داتن، ۱۳۸۴؛ وکیلیان، ۱۳۸۷) سنجیده شده است.



#### ۵. ابعاد و شاخص‌های سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی در ابعاد عینیت‌یافته، تجسدیافته و نهادینه شده مورد سنجش قرار گرفت.

##### ۵-۱. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته

سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، بر پایه دو مؤلفه برخورداری افراد از کالاهای فرهنگی مادی و رفتار و منش نمادین افراد، سنجیده شده است.

کالاهای فرهنگی بعد مادی، داشتن کتاب‌های غیردرسی در منزل؛ آثار هنری و تابلوهای نقاشی؛ وجود کتابخانه در منزل؛ داشتن دستگاه DVD، VCD، VHS؛ وجود رایانه یا لپ‌تاپ در منزل؛ دارا بودن تبلت یا گوشی هوشمند؛ دسترسی به اینترنت؛ داشتن اتاق اختصاصی فرزندان؛ میز و صندلی مطالعه؛ داشتن ابزار نقاشی و طراحی؛ داشتن ابزار

1. Barzilai-Nahon  
2. Livingstone and Helsper  
3 Barzilai-Nahon

نواختن موسیقی؛ وجود سی‌دی‌های آموزشی؛ وسایل ورزشی مانند راکت تنیس و دوچرخه را دربر می‌گیرد.

رفتار و منش نمادین، مواردی مانند رفتن به سینما، موزه، تئاتر، عضویت در یک کتابخانه، خواندن روزنامه و مجله، صرف هزینه برای خرید کتاب غیردرسی، بازدید از سایت‌های علمی و فرهنگی، بازدید از نمایشگاه‌های فرهنگی، تماشا یا گوش کردن به سی‌دی یا فایل‌های آموزشی، استفاده از برنامه‌های فرهنگی تلویزیون و رادیو، اهمیت داشتن رخدادهای فرهنگی بزرگ، تعامل فرهنگی درون خانواده، هزینه کردن برای خرید آثار هنری بزرگ، علاقه‌مندی به سفر و بازدید از مکان‌های تاریخی و فرهنگی، میزان علاقه به علم و تحصیل، داشتن اشتراک مجله یا روزنامه چاپی یا الکترونیکی را دربر می‌گیرد.

## ۲-۵. ابعاد و شاخص‌های سرمایه فرهنگی تجسد یافته

برای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه فرهنگی تجسد یافته از دو بعد سرمایه دانشی و مهارتی استفاده شده است.

بعد دانشی، آشنایی با مکان‌های تاریخی کشور، تکلم به زبان رسمی آموزشی، آشنایی با تاریخ و عرصه‌های گوناگون هنری مانند ادبیات، موسیقی، هنر، و بعد مهارتی توانایی نواختن موسیقی، توانایی خوشنویسی، توانایی طراحی و نقاشی، داشتن مهارت تخصصی در یک یا چند رشته ورزشی، توانایی کار با لپ‌تاپ یا رایانه، توانایی کار با تبلت یا گوشی اندروید، آشنایی با زبان‌های دیگر، میزان تسلط به زبان انگلیسی را دربر می‌گیرد.

## ۳-۵. ابعاد و شاخص‌های سرمایه فرهنگی نهادینه شده

برای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه فرهنگی نهادینه شده از شاخص میزان تحصیلات و مدارک آموزشی رسمی و غیررسمی استفاده شده است.

## ۶. پایایی ابزار سنجش

در این پژوهش برای سنجش قابلیت اعتماد پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده کرده‌ایم که میزان آن برای هر یک از متغیرها در جدول شماره (۱) ارائه شده است.



جدول ۱. آلفای کرونباخ مرتبط با پایایی پرسش نامه

پرسش نامه	متغیرها	
	تعداد گویه	ضریب پایایی
۰/۷۷	۲۴	سرمايه فرهنگي عينيت يافته
۰/۷۴	۵	سرمايه فرهنگي تجسد يافته
۰/۷۲	۴	سرمايه فرهنگي نهادينه شده
۰/۷۸	۱۳	بعد مهارت ديجيتالي شکاف
۰/۷۴	۲۱	بعد محتوای کاربردی شکاف

## ۷. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، تقریباً ۴۰ درصد از پاسخ‌گویان، زن و ۶۰ درصد آنان، مرد بوده‌اند و میانگین سنی پاسخ‌گویان نیز ۲۴ سال بوده است. همچنین، حدود ۳۶ درصد پاسخ‌گویان، متأهل و ۶۴ درصد از آن‌ها مجرد بوده‌اند. تحصیلات ۲۱/۱ درصد از پاسخ‌گویان، زیر دیپلم، ۹/۱ درصد، کاردانی، ۴۵/۵ درصد، کارشناسی، و ۲۴/۲ درصد، کارشناسی ارشد و بالاتر بوده است.



فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران

۱۱۵

سرمايه فرهنگي و بازتوليد  
شکاف هوشمند

جدول ۲. توزیع درصدی بعد مهارت دیجیتالی پاسخ‌گویان

پرسش‌ها	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین از ۵
کار با فیلتر شکن	۲۶	۲۲/۹	۲۱/۵	۱۹/۵	۱۰/۱	۳/۱۵
فهم اصطلاح‌های اینترنتی	۲/۱	۱۶/۶	۳۳/۸	۳۰/۹	۱۶/۶	۳/۴۳
توانایی دریافت و به‌روز کردن نرم‌افزار	۵/۴	۱۰/۴	۱۹/۵	۳۰/۴	۳۳/۴	۴/۷۹
کار با رایانه، لپ‌تاپ، یا هر دستگاه دیجیتال	۱/۸	۷	۱۸/۷	۳۱/۷	۴۰/۸	۴/۰۵
فهم اصطلاح‌های رایانه، تبلت، یا گوشی اندروید	۰/۶	۷/۵	۲۱/۸	۳۵/۱	۳۵/۱	۴/۲۲
توانایی به‌دست آوردن اطلاعات موردنیاز از اینترنت	۱	۳/۴	۱۱/۹	۳۹/۷	۴۴/۴	۴/۷۲
توانایی رفع مشکل ساده اینترنتی و دستگاه دیجیتال	۱/۹	۱۳	۲۳/۴	۳۱/۹	۲۹/۹	۴
نوشتن متون و رسم جدول	۳۸/۷	۲۲/۱	۲۰	۱۰/۶	۸/۶	۲/۵۳
استفاده از نرم‌افزار آفیس	۲۴/۷	۲۰	۱۶/۱	۱۷/۴	۲۱/۷	۳/۲۱
دریافت و فرستادن ایمیل	۱۲	۱۹/۲	۲۱/۸	۲۵/۷	۲۲/۳	۳/۵۷
استفاده از نرم‌افزارهای کاربردی مانند اکسل و...	۶۸/۱	۹/۶	۷	۹/۶	۵/۷	۱/۷۵
استفاده از بانک‌های اطلاعاتی	۵۴/۵	۱۷/۴	۱۴	۱۰/۶	۳/۴	۱/۹۰

داده‌های جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که اگرچه پاسخ‌گویان از توانایی استفاده و کار با دستگاه رایانه، لپ‌تاپ، و تبلت برخوردارند و تقریباً اکثریت آن‌ها توانایی به‌دست آوردن اطلاعات موردنیاز از اینترنت را دارند (میانگین ۴/۷۲)، اما بسیاری از آن‌ها، توان اندکی در استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی کاربردی (میانگین ۱/۷۵) و بانک‌های اطلاعاتی (میانگین ۱/۹۰) دارند. تنها ۱۵/۳ درصد پاسخ‌گویان می‌توانستند در حد زیاد و خیلی زیاد از نرم‌افزارهای کاربردی تخصصی استفاده کنند و تنها ۱۴ درصد پاسخ‌گویان در حد زیاد و خیلی زیاد توانایی استفاده از بانک‌های اطلاعاتی علمی را داشته‌اند.

جدول ۳. توزیع درصدی بعد محتوای کاربری

پرسش‌ها	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین از ۵
سرگرمی و گذران اوقات فراغت، لذت‌بخش بودن	۵/۹	۱۱/۴	۲۲/۹	۳۰/۹	۲۸/۸	۳/۶۵
کسب اطلاعات عمومی	۱/۲	۸/۶	۲۱/۸	۴۳/۶	۲۳/۶	۳/۷۴
ارتباط با دوستان و تعامل با گروه‌ها	۴/۶	۵/۵	۲۲/۶	۳۳/۵	۳۴/۸	۳/۹۰
خرید و فروش‌های اینترنتی	۳۰/۱	۲۹/۶	۲۳/۹	۱۳/۸	۲/۹	۲/۲۹
وب‌گردی	۱۶/۹	۱۷/۱	۲۲/۳	۲۰/۳	۲۳/۴	۳/۱۶
بازی آنلاین	۵۱/۷	۱۶/۹	۱۴	۹/۶	۷/۸	۲/۰۴
دانلود فیلم یا عکس و موسیقی	۶/۳	۸/۱	۲۶/۵	۲۶/۵	۲۳/۷	۳/۷۱
گشت‌وگذار در سایت‌های دوست‌یابی	۸۷/۷	۶/۵	۹/۹	۲/۹	۲/۱	۱/۴۳
بازدید از سایت‌های خبری و نشریه‌های برخط	۱۴/۵	۱۸/۲	۲۶/۵	۲۳/۶	۱۷/۱	۳/۱۰
جست‌وجو برای کسب اطلاعات و افزایش دانش	۶/۲	۹/۹	۲۹/۶	۲۸/۶	۲۵/۷	۳/۵۷
مدیریت یک سایت یا کانال که موجب کسب درآمد شده باشد	۸۱/۹	۶/۵	۳/۴	۴/۴	۳/۹	۱/۴۲
استفاده از مسیریاب‌ها یا نرم‌افزارهای اطلاعات روزمره دما، قیمت، ساعت حرکت هواپیما و...	۷/۰۰	۹/۹	۲۲/۳	۲۷/۵	۳۲	۳/۷

داده‌های جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، بیشترین استفاده پاسخ‌گویان از اینترنت، استفاده ارتباطی، یعنی برای ارتباط با دوستان و تعامل با گروه‌ها (میانگین ۳/۹۰) و کسب اطلاعات عمومی (میانگین ۳/۷۴)، و کمترین استفاده آن‌ها از اینترنت مربوط به مدیریت یک سایت یا کانال که موجب کسب درآمد شده باشد (میانگین ۱/۴۲) و گشت‌وگذار در سایت‌های دوست‌یابی (میانگین ۱/۴۳) بوده است.



## ۷-۱. یافته‌های استنباطی

فرضیه‌های این پژوهش بررسی به شرح زیر آزمون شد:

فرضیه ۱. میانگین شکاف دیجیتالی در دو گروه زن و مرد، تفاوت معناداری دارد.

جدول ۴. آزمون t مستقل برای مقایسه زنان و مردان در شکاف دیجیتالی

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	t	سطح معناداری
شکاف دیجیتالی	زنان	۷/۰۳	۲/۱۷	۳/۰۸۷	۰/۰۰۱
	مردان	۶/۳۲	۲/۲۴		

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که به لحاظ میانگین شکاف دیجیتالی بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین شکاف دیجیتالی زنان از مردان بیشتر بوده است؛ به این معنا که زنان در مهارت استفاده از محیط دیجیتال و همچنین، استفاده از محتواهای علمی، دانشی، و مهارتی محیط اینترنت میانگین پایین‌تری دارند.

فرضیه ۲. میانگین شکاف دیجیتالی در دو گروه مجرد و متأهل، تفاوت معناداری دارد.

جدول ۵. آزمون t مستقل برای مقایسه افراد مجرد و متأهل در شکاف دیجیتالی

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	t	سطح معناداری
شکاف دیجیتالی	مجرد	۸۹/۳۲	۵۶/۷۹	-۱/۲۹۵	۰/۱۹۶
	متأهل	۹۷/۳۱	۵۸/۷۳		

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که به لحاظ میانگین شکاف دیجیتالی، بین گروه مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد. افراد مجرد و متأهل به لحاظ مهارت استفاده از محیط دیجیتال و همچنین، استفاده از محتواهای علمی، دانشی، و مهارتی محیط اینترنت تفاوت معناداری با هم ندارند.



فرضیه ۳. میانگین شکاف دیجیتالی برپایه سطح تحصیلات، تفاوت معناداری دارد.

جدول ۶. آماره‌های میانگین شکاف دیجیتالی برپایه سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
تا دیپلم	۹۴	۵/۵۴	۲/۲۵
کاردانی	۳۵	۶/۶۲	۱/۷۶
کارشناسی	۱۷۵	۶/۹۴	۲/۱۴
کارشناسی ارشد و بالاتر	۸۱	۷/۰۹	۲/۲۵
جمع	۳۸۵	۶/۶۰	۲/۲۴

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه شکاف دیجیتالی برپایه تحصیلات

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
واریانس بین گروهی	۱۴۶/۵۲	۳	۴۸/۸۴	۱۰/۴۲	۰/۰۰۰
واریانس درون گروهی	۱۷۸۵/۲۴	۳۸۱	۴/۶۸	-	-
واریانس کل	۱۹۳۱/۷۷	۳۸۴	-	-	-

سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ ) و میزان آماره  $F = ۱۰/۴۲$  از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که به لحاظ میانگین شکاف دیجیتالی تفاوت معناداری برپایه سطح تحصیلات وجود دارد.

## ۲-۲. تحلیل رگرسیون چندمتغیره شکاف دیجیتالی

در تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای فهم نرمال بودن توزیع نمره‌ها از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف<sup>۱</sup> استفاده شده است. با توجه به مقدار این آزمون ( $Ks = ۰/۸۱۰$ ) و سطح معناداری ( $\text{Sig} = ۰/۳۵۰$ ) و تأیید نرمال بودن داده‌ها، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

جدول ۸. خلاصه الگوی رگرسیون چندمتغیره شکاف دیجیتالی

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین ( $R^2$ )	ضریب تعیین اصلاح شده (Adj. R Square)	آزمون F	سطح معناداری (sig)	آماره دوربین-واتسون <sup>۲</sup>
--------------------------	----------------------	--------------------------------------	---------	--------------------	----------------------------------

1. kolmogorov-smirnov test

2. Durbin-Watson



۱/۷۹۵	۰/۰۰۰	۴۷/۶۶	۰/۲۶۷	۰/۲۷۳	۰/۵۲۲
-------	-------	-------	-------	-------	-------

داده‌های جدول شماره (۸) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه (R) معادل ۰/۵۲ محاسبه شده است که بیانگر این مطلب است که متغیرهای مستقل پژوهش به‌طور هم‌زمان به مقدار ۰/۵۲ با شکاف دیجیتالی همبستگی دارند. ضریب تعیین اصلاح‌شده بیانگر این است که ۲۶ درصد از تغییرات شکاف دیجیتالی از طریق متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود و ۷۴ درصد باقی‌مانده متعلق به عوامل دیگری است که خارج از این بررسی هستند. نسبت F مشاهده‌شده مبنی بر آزمون معناداری ضریب تعیین، معادل ۴۷/۶۶ محاسبه شده است که در سطح بسیار بالای آماری، معنادار است ( $\text{sig}=0/000$ ). همچنین، مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۷۹۵) نشان می‌دهد که بین باقی‌مانده‌ها، همبستگی متوالی وجود ندارد. با توجه به این شاخص می‌توان گفت، الگوی رگرسیونی از کفایت لازم برخوردار است.



جدول ۹. ضرایب رگرسیونی تأثیر ابعاد سرمایه فرهنگی بر شکاف دیجیتالی

تورم واریانس	آماره‌های هم‌خطی		شکاف دیجیتالی			
	ضریب حداقل تحمل	سطح معناداری	مقدار تی	Beta	B	
	-	۰/۰۰۰	۴/۹۹۳	-	۲/۰۹۵	عدد ثابت
۱/۰۹۲	۰/۹۱۶	۰/۰۰۰	۴/۹۰۶	۰/۴۷۲	۰/۳۸۱	سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته
۱/۰۷۱	۰/۹۳۴	۰/۰۰۰	۷/۳۱۸	۰/۴۱۰	۰/۳۰۲	سرمایه فرهنگی تجسدیافته
۱/۱۱۳	۰/۸۹۸	۰/۰۰۰	۳/۹۳۳	۰/۲۰۱	۰/۱۴۵	سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده

نتایج پژوهش نشان داد که در میان افراد با سرمایه‌های فرهنگی گوناگون، شکاف دیجیتالی وجود دارد. همچنین، نتایج به‌دست‌آمده از آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد که از میان سه بعد عینیت‌یافته ( $\beta=0/47$ )، تجسدیافته ( $\beta=0/41$ )، و نهادینه‌شده ( $\beta=0/20$ )



سرمایه فرهنگی، بعد عینیت یافته بیشترین تأثیر را بر شکاف دیجیتالی میان افراد داشته است. مقدار ضریب تعیین ( $R^2$ ) به دست آمده در جدول شماره (۹) نشان می دهد که سرمایه فرهنگی می تواند حدود ۲۷ درصد از واریانس متغیر وابسته، یعنی شکاف دیجیتالی، را تبیین کند. شاخص ضریب حداقل تحمل<sup>۱</sup> و تورم واریانس<sup>۲</sup> در این جدول نشان می دهد که بین متغیرهای مستقل، هم خطی وجود ندارد.<sup>۳</sup>

### بحث و نتیجه گیری

گسترش روزافزون شبکه اینترنت موجب شده است که جامعه شناسان در مورد نتایج اجتماعی استفاده از اینترنت بحث کنند. از یک سو، تفاوت افراد در میزان دسترسی به فناوری های نوین (همچون تلفن، رایانه، و اینترنت) و خدمات مرتبط با آن، موجب شکاف و تفاوت میان افراد در سطوح گوناگون زندگی، اعم از سطوح فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی می شود. از سوی دیگر، استدلال می شود که افراد یک جامعه به میزان خاصی از انواع سرمایه از قبیل سرمایه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی برخوردار می شوند. نابرابری و شکاف ناشی از میزان برخورداری از این سرمایه ها، خود موجب بازتولید آن ها و در نتیجه، افزایش فاصله طبقاتی و شکاف میان آنان می شود. سرمایه فرهنگی خود، سازوکار مهمی در بازتولید سلسله مراتب اجتماعی به شمار می آید؛ بنابراین، مطالعه شکاف هوشمند و مسئله بازتولید نابرابری های سرمایه های فرهنگی، هدف اصلی این مقاله بوده است.

نتایج این پژوهش، تفاوت ها و نابرابری های افراد در میزان مهارت، سواد اطلاعاتی، و محتوای کاربردی فضای دیجیتال را به عنوان شاخصی از نابرابری های اجتماعی هوشمند، آشکار کرد. این نتیجه با یافته های پژوهش های ون درسن و ون دیک (۲۰۱۹) هرگیتای (۲۰۱۸)، کواسنی (۲۰۰۶)، بونفیدلی (۲۰۰۲)، عباسی کسبی و همکاران (۱۳۹۹)، صدقی و همکاران (۱۳۹۸)، حاج اسماعیلی و کاظمی (۱۳۹۷) و صدر ارحامی و همکاران (۱۳۹۷) هماهنگی دارد. یکی از نتایج بسیار مهم این پژوهش این بود که

1. tolerance

2. VIF (Variance Inflation Factor)

۳. در صورتی که میزان Tolerance، کمتر از ۰/۱، یا VIF بیشتر از ۱۰ باشد، رأی به وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل می دهیم.





برخورداری از سرمایه فرهنگی (ترکیبی از سرمایه فرهنگی عینیت یافته، تجسد یافته، و نهادینه شده) نقش مهمی در تبیین میزان شکاف اجتماعی هوشمند دارد. به بیان روشن تر، نابرابری دیجیتالی هوشمند که بازتابی از تنوع و تمایز در ساختار دسترسی، مهارت، و استفاده از فناوری ارتباطی است، محصول نابرابری های اجتماعی طولانی مدت، میزان سرمایه فرهنگی است؛ بنابراین، می توان بیان کرد که این یافته مهم، تأییدکننده نظریه بازتولید نابرابری سرمایه های فرهنگی بورديو است. بر مبنای نظریه بورديو می توان گفت، فرایند بازتولید شکاف هوشمند در این پژوهش، ناشی از اثرات تجمعی راهبردهای سرمایه گذاری فرهنگی افراد، منطبق خاص آموزش فرهنگی، و معیارهای انتخابی کنشگران در یک نظام اجتماعی است. نظام نابرابری های موجود سرمایه فرهنگی، شکاف هوشمند را بازتولید کرده و مشروعیت می بخشد. نابرابری دیجیتالی هوشمند، آینه ای از منابع نابرابری های افراد جامعه در دنیای واقعی با سرمایه های متفاوت است. همان گونه که ایگناتوف (۲۰۱۷) در مطالعه تجربی خود نشان داد، نابرابری و تفاوت در سرمایه فرهنگی، خود را در نابرابری های دیجیتالی هوشمند نشان می دهد.

یکی دیگر از نتایج این پژوهش، این بود که در میان ابعاد سرمایه فرهنگی، بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی، بیشترین تأثیر را بر شکاف دیجیتالی داشته است. در واقع، با افزایش سرمایه فرهنگی عینیت یافته، میزان استفاده از محتوای علمی، دانشی، و مهارتی محیط اینترنت نیز افزایش می یابد. سرمایه فرهنگی عینیت یافته که بیشتر در اشیاء مادی تجسم پیدا می کند و ویژگی آن به نوعی شکل اقتصادی هم به خود می گیرد، در تبیین شکاف هوشمند از اهمیت بیشتری برخوردار است. به تعبیر بورديو، فهم ساختار و کارکرد جهان اجتماعی بدون فهم سرمایه، به ویژه سرمایه اقتصادی، ناممکن است.

همچنین، نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داده است که بعد تجسد یافته سرمایه فرهنگی نیز بر شکاف دیجیتالی تأثیرگذار است. این بعد از ابعاد سرمایه فرهنگی، بخش جدایی ناپذیری از فرد است که در نتیجه تلاش، تجربه، و استعداد او به دست می آید و نیازمند صرف وقت برای آموختن یا آموزش دادن است و پس از آن، با فرد عجین شده و موجب رفتارها و منش های خاصی می شود.

یکی دیگر از یافته‌های مهم این پژوهش، تأثیر کمتر بعد نهادینه سرمایه فرهنگی بر ابعاد شکاف دیجیتال است. شاید این مسئله به تعبیر بورديو— به این دلیل باشد که هدف افراد از تحصیل و رسیدن به جایگاه‌های علمی بالا، بیشتر کشمکش برای دستیابی به منابع و رسیدن به موقعیت اجتماعی است تا کسب سرمایه فرهنگی. این یافته می‌تواند تأییدگر این نکته باشد که مدارک آموزشی و شایستگی‌های دانشگاهی برای دارندگان آن اعتبار بالا و سرمایه اقتصادی و نمادین ایجاد نمی‌کند. همچنین، دارا بودن سواد اطلاعاتی، کاربرد حرفه‌ای، یا مهارت‌های دیجیتال، کمتر با سرمایه فرهنگی نهادینه شده یعنی با مدارک تحصیلی مرتبط است. در واقع، شکاف، میان کسانی رخ می‌دهد که دارای سواد اطلاعاتی و فنی هستند و آن‌هایی که این مهارت را ندارند.



فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران

۱۲۲

دوره ۱۴، شماره ۱

بهار ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳

منابع

- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه فرهنگی (مترجم: حسن پویان؛ چاپ دوم). تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اشرفی فشی، سکینه؛ عبدلهی، بیژن (۱۳۹۶). بررسی رابطه مؤلفه‌های شکاف دیجیتالی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان، نامه آموزش عالی، ۳۹، ۱۱۵-۱۳۵.
- افشارکهن، جواد؛ و زمانی، زهرا (۱۳۸۸). جوانان و شکاف دیجیتالی با تأکید بر جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر همدان در سال ۱۳۸۸. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۶، ۱۰۲-۸۲.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه (مترجم: افشین خاکباز و حسن پویان). تهران: نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- حاج اسماعیلی، فهیمه؛ کاظمی، حسین (۱۳۹۷). مقایسه سطوح چهارگانه شکاف دیجیتالی برحسب متغیرهای جمعیتی (مورد مطالعه: شهر رفسنجان). مسائل اجتماعی ایران، ۹(۲)، ۲۷-۴۸.
- خواججه‌نوری، کریمی؛ کریمی، مریم؛ کشاورزی، سعید (۱۳۹۳). سنجش رابطه شکاف دیجیتالی و توانمندی زنان شهر شیراز. زن در توسعه و سیاست، ۱۲(۱)، ۳۸-۲۱. doi: 10.22059/jwdp.2014.51345
- داتن، ویلیام (۱۳۸۴). دگرگونی‌های اجتماعی در جامعه اطلاعاتی (مترجمان: محمد توکل و ابراهیم کاظمی‌پور). کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران: مرکز انتشارات شورای عالی اطلاع‌رسانی.
- ذکائی، محمدسعید (۱۳۹۴). نابرابری سرمایه‌های فرهنگی در شهر تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۸(۴)، ۱۹۶-۱۶۹. doi: 10.7508/IJCR.2015.32.007
- روشندل اربطانی، طاهر؛ کاظمی، حسین؛ و حاج اسماعیلی، فهیمه (۱۳۹۳). عوامل تعیین‌کننده شکاف دیجیتالی (مطالعه موردی: شهروندان شهر رفسنجان). مدیریت دولتی، ۶(۴)، ۷۰۳-۶۸۱.
- ساولاینن، ریجو (۱۳۸۳). شایستگی شبکه‌ای و جستجوی اطلاعات در اینترنت از تعاریف تا روش‌شناختی (مترجم: حمید کشاورز). فصلنامه اطلاع‌رسانی، ۱۹(۳ و ۴)، ۶۹-۶۱.
- سورین، ورنرچی؛ و تانکارد، جیمزدبلیو (۱۳۹۲). نظریه‌های ارتباطات (مترجم: علیرضا دهقان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شارع‌پور، محمود؛ و خوشفر، غلامرضا (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان؛ مطالعه موردی شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، ۲۰(۰)، ۱۴۷-۱۳۳.



شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ مردی، زهره؛ مهرابی، راضیه؛ و سیستانی، محسن (۱۳۹۴). رابطه مصرف رسانه‌ای و سرمایه فرهنگی. رفاه اجتماعی، ۵۹، ۲۱۹-۱۸۷.

شویره، کریستین؛ فونتن، اولیویه (۱۳۸۵). واژگان بوردیو (مترجم: مرتضی کتبی). تهران: نشر نی.

صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی (چاپ اول). تهران: انتشارات ققنوس.

صدر ارحامی، نفیسه؛ خواجه‌نوری، بیژن؛ و غفاری‌نسب، اسفندیار (۱۳۹۷). رابطه سرمایه اجتماعی و شکاف دیجیتالی در بین جوانان اصفهان و نجف‌آباد. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنائی، ۵۲، ۱۴۰-۱۱۱.

صدقی، شهرام؛ جعفرگللو، افروز؛ رودباری، مسعود؛ و رزمگیر، مریم (۱۳۹۸). بررسی شکاف دیجیتالی بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی ایران از نظر استفاده، دسترسی و مهارت‌های فناوری اطلاعات. فصلنامه مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی، ۶(۱)، ۳۷-۲۷. doi: 10.30473/mrs.2020.50223.1407

عباسی کسبی، هادی؛ مجیدی قهرودی، نسیم؛ و نصراللهی، اکبر (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر شکاف دیجیتالی در ایران (مورد مطالعه: روستاهای استان قم) با رویکرد دلفی و سلسله مراتبی فازی. مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۱۰(۱)، ۱۶۳-۱۳۳. doi: 10.30465/ismc.2020.5106

فکوهی، ناصر (۱۳۹۷). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: نشر نی.

مک‌کوئیل، دنیس (۱۳۸۰). مخاطب‌شناسی (مترجم: مهدی منتظرانم). تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای.

نیازی، محسن؛ و کارکنان، محمد (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان. فصلنامه مطالعات ملی، ۸(۳۱)، ۸۰-۵۷.

وکیلیان، سیدآرش (۱۳۸۷). سرمایه فرهنگی و چگونگی استفاده از اینترنت در دانشجویان ساکن خوابگاه؛ با مطالعه موردی در کوی دانشگاه تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Barzilai-Nahon, K. (2006). Gaps and bits: Conceptualizing measurements for digital divide/s. *The Information Society*, 22(5), 269-278. doi:10.1080/01972240600903953

Bonfadelli, H. (2002). The internet and knowledge gaps. *European Journal of Communication*, 17(1), 65-84. doi:10.1177/0267323102017001607

Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory of research for the sociology of education* (pp. 241-258). New York: Greenwood Publishing Group.



فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران

۱۲۴

دوره ۱۴، شماره ۱  
بهار ۱۴۰۰  
پیاپی ۵۳



- Bourdieu, P., Passeron, J.-C. (1990). *Reproduction in education, society and culture* (2<sup>nd</sup> ed.; R. Nice, Trans.). New York: Sage Publications, Inc.
- Castells, M. (2011). *The power of identity: The information age: Economy, society, and culture*. (Vol. 2). New York: John Wiley & Sons.
- Di Maggio, P., Hargittai, E. (2001). From the 'digital divide' to 'digital inequality': Studying Internet use as penetration increases. *Princeton: Center for Arts and Cultural Policy Studies, Woodrow Wilson School, Princeton University*, 4(1), 4-2.
- Drabowicz, T. P. (2012). *Digital Inequalities as Class Inequalities? A comparison of youth in advanced societies in-and outside Europe* (Unpublished doctoral dissertation), European University Institute, and Florence.
- Gurstein, M. (2003). Effective use: A community informatics strategy beyond the digital divide. *First Monday*, 8(12). doi:10.5210/fm.v8i12.1107
- Hargittai, E. (2018). The digital reproduction of inequality. In *The Inequality Reader* (PP. 660-670). UK: Routledge.
- Ignatow, G., & Robinson, L. (2017). Pierre Bourdieu: theorizing the digital. *Information, Communication & Society*, 20(7), 950-966. doi:10.1080/1369118x.2017.1301519
- Kim, S. (2011). *The effects of internet use on academic achievement and behavioral adjustment among South Korean adolescents: Mediating and moderating roles of parental factors*. Syracuse University.
- Kvasny, L. (2002). A conceptual framework for examining digital inequality. *AMCIS (Americas Conference on Information Systems). Proceedings*, 246.
- Kvasny, L. (2006). Cultural (Re)production of digital inequality in a US community technology initiative. *Information, Communication & Society*, 9(2), 160-181. doi:10.1080/13691180600630740
- Lee, S. (2016). Smart divide: Paradigm shift in digital divide in South Korea. *Journal of Librarianship and Information Science*, 48(3), 260-268. doi:10.1177/0961000614558079
- Livingstone, S., Helsper, E. (2010). Balancing opportunities and risks in teenagers' use of the internet: the role of online skills and internet self-efficacy. *New Media & Society*, 12(2), 309-329. doi:10.1177/1461444809342697
- Matic, I. (2006). *Digital divide in Istria (Unpublished doctoral dissertation)*, Ohio University.
- Melhem, S., Morell, C., Tandon, N. (2009). *Information and communication technologies for women's socio-economic empowerment*, The World Bank.
- OECD (2001). *Organization for economic co-operation and development*. Reterived from <https://doi.org/10.1787/19990006>
- Patterson, R., Wilson, E.J. (2000). New IT and social inequality: Resetting the research and policy agenda. *The Information Society*, 16(1), 77-86. doi:10.1080/019722400128347

- Servon, L. J. (2008). *Bridging the digital divide: Technology, community and public policy*. New York: John Wiley & Sons. doi:10.1002/9780470773529
- Van Deursen, A. J., Van Dijk, J. A. (2019). The first-level digital divide shifts from inequalities in physical access to inequalities in material access. *New Media & Society*, 21(2), 354–375. doi:10.1177/1461444818797082



فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران

۱۲۶

دوره ۱۴، شماره ۱

بهار ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳